

استراتژی‌هایی برای سرمایه گذاری بلند مدت

روزبه پورجم

۱- مقدمه:

سرمایه گذاری همواره با ریسک همراه است و سرمایه گذاران انتظار برگشت سرمایه خود را دارند. هیچ سرمایه گذاری ریسک را دوست ندارد و هرچه میزان برگشت سرمایه در یک سرمایه گذاری بالاتر باشد، آن سرمایه گذاری موفق تر است. به طور کلی راهبرد های سرمایه گذاری را می توان به دو دسته تقسیم کرد: راهبردهای نا کار آمد که بکاربردن آنها ریسک بالایی دارد و بازگشت سرمایه کمی را به دنبال دارد، و راهبرد های کارآمدی که احتمال ریسک پایینی دارد و بازگشت سرمایه در آن بسیار زیاد است. مهمترین وظیفه ای که مشاوران مالی بر عهده دارند این است که از اتخاذ این استراتژی های غلط دوری ورزند. رعایت این امر کاری بیهوده و بی ارزش نیست. انجام چنین کاری مستلزم تخمین زدن دقیق میزان ریسک و سرمایه برگشتی برای امنیت افراد، سرمایه و دارایی ها، صنایع، کشور ها و ارزش واحد پول می باشد. انجام چنین کاری همچنین مستلزم بررسی همبستگی ها و پیوند های موجود در بازار سرمایه گذاری است. معمولا معیار افراد برای سرمایه گذاری، نتیجه گرفتن در کوتاه مدت است، اما اکثر سرمایه گذاران نگران مقدار برگشت سرمایه و درآمدشان در دراز مدت هستند. برای اینکه یک سرمایه گذار بتواند مناسب ترین گزینه را انتخاب کند باید نسبت به عواقب و آینده هر استراتژی آگاهی کامل داشته باشد تا بتواند بر اساس نیازهای خود آنها را بکار برد.

۲- پروسه تصمیم گیری:

هنگامی که استراتژی از ریسک بالایی برخوردار باشد، احتمال دست یابی به اهداف بزرگ بیشتر است و بر عکس. دانستن چنین مواردی می تواند به سرمایه گذاران کمک کند تا مناسب ترین تصمیم را بگیرند. طرح ریزی نیز می تواند به سرمایه گذاران کمک کند تا سطح پس انداز کردن و یا هزینه کردن سرمایه خود را تعیین کنند. هر چه قدر میزان پس انداز سرمایه بیشتر باشد، احتمال دستیابی به اهداف بلند مدت در آینده نیز بیشتر خواهد بود. یک مشاور مالی همچنان می تواند از طرح ریزی برای کمک کردن به سرمایه گذار در امر سرمایه گذاری و اتخاذ تصمیم درست در زمینه جمع آوری و یا هزینه کردن سرمایه، بهره گیرد که روش های پیدا کردن استراتژی های کارآمد و طرح بندی کردن نتایج به دست آمده در رشته ای تحصیلی به نام تئوری سرمایه گذاری ارائه می گردد. چنین تئوری‌هایی، روشهایی که یک مشاور مالی در تعیین راهبردهای کارآمد باید استفاده کند را مشخص می سازند و میزان امنیت سرمایه گذاری و برگشت سرمایه را تخمین می زند.

اما چگونه باید این موارد را تخمین زد؟

شاخه تحصيلی ذکر شده که با عنوان تئوری سرمایه گذاری در بازار شناخته شده است، بر روی یافتن پاسخ این سوال تمرکز کرده است. به طور مشخص تر چنین تئوری هایی با راههای تعیین قیمت دارایی ها و رابطه های موجود بین میزان سرمایه، مقدار سرمایه برگشتی و میزان ریسک موجود در یک سرمایه گذاری سر و کار دارد.

به عبارت دیگر یک بازار سرمایه گذاری سالم برای سرمایه گذاری به بازاری گفته می شود که در آن قیمتها نشان دهنده تغییرات و نوسانات آینده باشند و بتوان از روی آن راهبردهای کارآمد سرمایه گذاری را پیش بینی نمود و مقدار درآمد آن را تعیین کرد. آنهایی که جو بازار را محیطی سالم می پندارند، اغلب استراتژیهای راكد اتخاذ می کنند. و آنهایی که وضع آینده بازار سرمایه گذاری را بهتر پیش بینی می کنند از راهبردهای پویا بهره می جویند.

در یک بازار سالم بهترین سرمایه برای نمایندگی یک سرمایه گذار، بازارهایی هستند که از امنیت سرمایه گذاری کافی برخوردارند و دسترسی به آنها آسان می باشد.

چنین بازارهایی یک درصد از کل سهام بانک سرمایه گذاری جهانی را در اختیار دارند. نمایندگی وابسته به سرمایه گذار اصلی شامل نماینده هایی از تمام سرمایه گذارها، (چه ثروتمند و چه فقیر و از هر کشوری) می باشد.

۳- درک مفهوم نمایندگی در سرمایه گذاری :

در راستای گزینش راهبردی مفید و مناسب ، بررسی وضعیت بازار جهانی امری مفید می باشد. در مرحله بعدی این سوال پیش می آید که چه تفاوتی بین سرمایه گذار های خاص و سرمایه گذاریهایی که نمایندگی دارند وجود دارد و چگونه به سرمایه خود جهت می دهند. به عنوان مثال سرمایه گذار عام در تمامی نقاط جهان سرمایه گذاری می کند و بر اساس نیاز مشتری خود، امکانات در اختیار او قرار می دهد. اگر مشتری از صبر کمی بر خوردار باشد، سرمایه گذار باید سیاست سرمایه گذاری خود را تغییر دهد.

در بازار های سالم، سرمایه گذاری های با ریسک بالا از برگشت سرمایه بیشتری نسبت به سرمایه گذاری های با ریسک کم برخوردارند. اما چنین امری برای افراد توصیه نمی شود . چرا ؟ دلیل این امر آن است که گستردگی بازار می تواند موجب از بین رفتن بعضی از ریسک ها شوند. در این بازار ها تنها ریسک هایی جواب می دهند که به وسیله افراد خاصی صورت می پذیرند.

مهمترین تئوری سرمایه گذاری این چنین نتیجه گیری می نماید که تنها یک نوع از ریسک با سرمایه برگشتی و سود بالایی همراه است، ریسک داشتن عملکرد بد در بد ترین شرایط . این نوع ریسک در دسته تئوری های آزمایشی طبقه بندی می شود . در این تئوری تنها ریسک های آزمایشی از نتیجه خوبی برخوردارند .

۴- ناکارآمدی های قابل پیش بینی :

گروهی از اقتصاددانان و کارشناسان امور مالی بر این باورند که عوامل دیگری نیز ممکن است بر میزان برگشت سرمایه اثر بگذارد. چنین عواملی به دارایی ها و سرمایه های خارجی مربوط می شود. به عنوان مثال بازار سهام در آسیا و اروپا که به دو دسته رشد کرده و فاقد رشد تقسیم می شوند. این راه کارها ممکن است بر پایه های پیچیده تری بنا نهاده شده باشند، به صورتی که احتمال انجام یک اشتباه و اتخاذ راهبردهای ناکارآمد به صورت پی در پی وجود دارد. اما چنین ناکارآمدیهایی قابل پیش بینی می باشند و با بکارگیری راهکارهای جایگزین می توان بر آنها چیره شد. این راهکارهای جایگزین به داشتن شناختی کامل از راهبردهای استراتژیک سرمایه گذاری منجر می شود و پیش بینی ناکارآمدی های موجود را ممکن می سازد.

اما در مورد استراتژی که هدف آن تمرکز بر روی گروه کوچکی از افراد سرمایه گذار می باشد چه طور؟

چنین راهکاری میزان ریسک را افزایش خواهد داد اما سوال اینجاست که آیا میزان سرمایه برگشتی را نیز بالا خواهد برد؟ در یک بازار سالم جواب منفی می باشد به این معنی که میزان ریسک افزایش خواهد یافت اما میزان سرمایه برگشتی کاهش می یابد. زمانی که سرمایه گذاری بر روی میزان کمی از اموال صورت گیرد، دو نوع راهکار برای گزینش راهبرد سرمایه گذاری وجود دارد. اولین راهکار بدین صورت است که تمام سرمایه در رقمی کمتر از هزینه ها صرف می گردد و میزان سرمایه برگشتی در هر سهم بیشتر از میزان میانگین نرخ سهام در بازار سرمایه است. اما مطمئناً در عمل اجرای چنین راهبردی نیازمند بررسی بیشتر می باشد و در آن ریسک سرمایه گذاری افزایش خواهد یافت.

۵- استفاده از تخمین به دست آمده از مدل آزمایشی :

به کارگیری راهکار جایگزین به مراتب سخت تر از راهکار اولیه می باشد، اما واقع بینانه تر است. ابزار حقیقی که برای اجرای یک راهبرد باید انتخاب شود می بایستی مطابق با نیازهای آن استراتژی گزینش گردد. به جای گزینش می توان گفت تلفیقی از دارایی های داخلی و خارجی. در چنین شرایطی مشاور مالی برای اخذ استراتژی کارآمد باید به خوبی گونه های مختلف سرمایه گذاری و نوسانات موجود در بازار سرمایه را تجزیه و تحلیل کند و به استراتژی مطلوب دست یابد.

یک راهبرد سرمایه گذاری راهکاری برای تجارت کوتاه مدت نمی باشد، در عوض عنصری کلیدی در طراحی یک برنامه مدون و منظم برای شناختن نیازهای محیط سرمایه گذاری و عواملی که موجب پیشرفت در آن می شوند، به حساب می آید. یک مشاور مالی و سرمایه گذار در کنار هم می توانند با استفاده بهینه از ابزار و راهبردهای موجود اقدام به انجام یک سرمایه گذاری موفق و کارآمد نمایند.

۶- برخی از راهبرد های سرمایه گذاری در محیط کنونی بازار :

تعدادی از استراتژی هایی که می توانند به پیشرفت سرمایه گذاری در محیط کنونی بازار سهام کمک کنند و سرمایه گذاران را در انجام یک سرمایه گذاری موفق و بهینه یاری نمایند به قرار زیرند:

الف- توازن :

که عبارت است از تخصیص سود سرمایه و اهمیت آن در شرایط بحرانی مالی . معاهده ها و ضمانت نامه های موجود در این زمینه به پدید آمدن محیطی امن تر برای سرمایه گذاری کمک شایانی می کند . و این فرصت بسیار خوبی برای قرار دادن درصد بیشتری از سبد سهام خود در اموری که میزان سود سهام آنها ثابت است ، می باشد . بنابراین در چنین شرایطی روی آوردن به معاهده ها و ضمانت نامه های سرمایه گذاری که در آن ها میزان سود ثابتی از کل سهام در گردش به فرد سرمایه گذار در هر شرایطی از بازار تخصیص می یابد ، گرچه منفعت کمتری در بر داشته باشد ، بهتر و مفید تر است . چنین اقدامی باعث می شود که انجام سرمایه گذاری مجدد با نرخ بالاتر امکان پذیر باشد .

ب- بسط دادن میزان ریسک در سرمایه گذاری :

بی شک برخی از بخش ها و سرمایه گذار های بازار سهام عملکرد بهتری از دیگران خواهند داشت و میزان سود سهامشان بیشتر از میزان میانگین سود عرف خواهد بود ، و مسلما برخی نیز عملکردی بدتری خواهند داشت . امن ترین و مطمئن ترین راه سرمایه گذاری این است که بر روی یک مورد تمرکز کامل نشود و سرمایه گذاری بر روی بخش های مختلف بازار سهام صورت گیرد . کارشناسان می گویند که شرکت های سرمایه گذاری کوچک تمایل بیشتری به هدایت کردن بازار به سمت فرار از رکود اقتصادی دارند و مسلما سرمایه گذاری در این شرکت ها و تخصیص بخشی از سبد سود و سهام به این شرکت ها کاری محتاطانه و عقلانی است . اگر چه باید در نظر داشت که سرمایه گذاری هنگامت در این بخش هم کاری غیر منطقی است و می تواند باعث افت سرمایه شود . به عبارت دیگر اتکای بیش از حد بر روی یک بخش خاص از بازار به هیچ عنوان توصیه نمی گردد .

ج- میانگین هزینه ها :

سرمایه گذاری های منظم دوره ای در بخش های گوناگون بازار سهام به سرمایه گذاران این امکان را می دهد تا از کاهش قیمت نهایت بهره را در تثبیت جایگاه و وجهه اقتصادی خود و همچنین خرید سهام کمتر به هنگام بالا رفتن قیمت ها ، ببرند . اگر چه ادامه دادن سرمایه گذاری در شرایطی که بازار با افت و کساد موجه شود به شهامت و ریسک پذیری بالایی نیاز دارد و هیچ ضمانتی در زمینه سود دهی قطعی وجود ندارد ، اجرای این استراتژی هزینه ها را به میزانی کمتر از نصف میانگین بازار کاهش می دهد و درصد موفقیت قطعی در سرمایه گذاری را افزایش می دهد .

ایجاد توازن مجدد به صورت دوره ای معمولاً به عنوان راهی برای استفاده بهینه از سبد سود سهام و جهت دادن به آن در راستای دستیابی به اهداف مشخص شده ، توصیه می گردد . از مزایای این چشم انداز می توان به قدرتمند کردن سرمایه گذاران برای بازگشت مقتدرانه به بازار متزلزل اشاره نمود. ایجاد توازن مجدد بین سهام و معاهده های موجود می تواند هنگامی که مسیر آنها از اهداف تعیین شده منحرف شد، به بازگشت سرمایه گذار به بازار سهام و جبران ضررهای به وجود آمده کمک فراوانی نماید .

ه- فروش سود سهام های پاداشی(حق تقدم) :

این راهبردی کم خطر برای درآمد زایی در بازاری کاملاً راکد و آشفته است . در این نوع بازار ها معمولاً در برابر انجام تعهداتی و سود دهی در زمان مشخصی با قیمت تعیین شده ، سرمایه گذار پاداشی دریافت خواهد کرد که اختصاص این پاداش همیشگی است . سرمایه گذاران می توانند با فروش این اوراق و پاداش های تخصیص یافته به سود قابل قبولی دست پیدا کنند و سرمایه خود را افزایش دهند . تنها ریسکی که در این میان وجود دارد این است که فرد سرمایه گذار باید به تعهدات خود تا قبل از موقع مقرر و صرف نظر از هر گونه مالیات و درآمد اضافی جامه عمل بپوشاند و اگر موفق به انجام این کار نشود ممکن است سرمایه خود را از دست رفته یابد .